

مردم

انجمن مرکزی حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره :

دوگام اسارت بار تازه رژیم استبدادی شاه

در دهه اول آبان ماه سال جاری رژیم شاه دو گام تازه در راه اسارت بیشتر میهن ما در جنگ امپریالیسم برداشته و بار دیگر چهره وطن فروش و مستبدانه خود را بپرده ایران نشان داده است. این دو گام عبارت است از گرفتن وام دویست میلیون دلاری تازه باریج ۵ در صد برای استهلاك دهساله از امریکا بمنظور خرید تانک و موشک و کشتی جنگی و هواپیما و احاله حق مصونیت سیاسی به مستشاران امریکائی. قوانین مربوط بوام و دادن حق مصونیت سیاسی در مجلس و سنا تصویب شد. بقرار اطلاع از طرف عده ای از نمایندگان مجلس شورا تحت فشار نیرومند افکار عمومی در قبال قانون مصونیت سیاسی مستشاران مقاومت شده وعدهای باین قانون رای مخالف داده اند. با آنکه دولت این واقیعت را پنهان میکند و سر بسته از « تصویب » قانون مصونیت در مجلس سخن میراند ، با اینحال ازشارائی که در بیانات منصور در سنا و سخنرانی عدهای از سناتورها شده است مخالفت عده ای از نمایندگان در مجلس کاملاً روشن میشود. اگر عده ای از وکلای مجلس شهاخته که منتصب دربارند تحت فشار افکار عمومی ناچار میشوند با قانونی مخالفت کنند ، پنداست که درجه مخالفت مردم ایران با یک چنین قانونی تا چه حد است. وام دویست میلیون دلاری که لایحه آن بادو فوریت بتصویب رسید و هدف آن اسکارا تقویت نیروی مسلح ذکر شده برای چیست ؟ منصور و برخی از سناتورها (و از آنجمله سناتور وهرام) بهداف این وام بتصریح و تلویح اشاره کردهاند. این وام علیه جمهوری عراق و جمهوری متحده عرب است. اخذ این وام دنباله سیاست ماجراجویانه شاه بود چند جنبش ملی کشورهای عربی است. شاه نقش را در خاور میانه ایفاء میکند که امپریالیست ها طالبند و لذا از جانب امپریالیست های امریکا و انگلیس همه جانبه تقویت میشود. احاله مصونیت سیاسی بمستشاران همانطور که در افکار عمومی ایران بدرستی ارزیابی شده است چیزی نیست جز احیاء کاپیتولاسیون. حالا کاملاً معلوم شده

بمناسبت دهمین سال انعقاد قرارداد کنسرسیوم نفت و اعطای امتیاز جدید نفت در خلیج فارس

ثروت عظیمی که بغارت میرود

زمانیکه قرارداد کنسرسیوم نفت بسته شد خبرنگاران از هواردیچ نایب رئیس شرکت استاندارد اوپل اف نیوجرسی که از جانب شرکتهای نفتی متشکل در کنسرسیوم بین المللی نفت مأمور امضاء قرارداد کنسرسیوم بود پرسیدند فرق بین این قرارداد و امتیاز شرکت سابق نفت ایران و انگلیس چیست؟ هواردیچ در جواب گفت: « یعنی قراردادی که بما حق مالکیت را برای مدت طولانی اعطاء کند ، بما حق کامل و انحصاری استفاده از این دارائی برای همان مدت و همان دوره مالی داده شده است. فرق بین این دو آنست که اتومبیلی بشما بفروشد و یا حق استفاده از آن اتومبیل را برای تمام مدتی که اتومبیل قابل استفاده

بقیه در صفحه ۲

متن تلگراف کمیته مرکزی حزب توده ایران و پاسخ رفیق برژنف

بر رفیق لئونید ایلچ برژنف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق برژنف عزیز

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت انتخاب شما بمقام دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صمیمانه بشما شادباش میگوید. ما شما را بمثابه مبارز پیگیر در راه

اجرای خط مشی نگره های ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و تصمیمات جلسات مشورتی مسکو در سال ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ میشناسیم و برای شما در اجراء و تحکیم آتی این مشی و نیز فعالیت در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز بسود خلق هائی که برای رهائی علیه امپریالیزم و استعمار نو و کهن مبارزه میکنند کامیابیهای بزرگی را خواستاریم. سلامت و انرژی خلاق را برای شما در مقام پر مسئولیتان آرزو مندیم.

کمیته حزب توده ایران
ر. رادمنش

پاسخ رفیق برژنف

کمیته مرکزی حزب توده ایران - رفیق رادمنش
شکر صادقانه مرا بمناسبت شاد باش صمیمانه و آرزوهای کامیابی که بسبب انتخاب من بمقام دبیر اول حزب کمونیست اتحاد شوروی ابراز داشته اید ، بپذیرید.

ل. برژنف

راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران خرید توپ و تانک نیست

قرصه جدید دوست میلیونی ایران از بانکهای امریکائی بمنظور خریه اسلحه و مهمات و تقویت بودجه ارتش در محافل سیاسی و مطبوعات ایران مورد بحث و وسیع قرار گرفته است. مقامات حاکمه ایران میکوشند که با استناد بدلائل ناموجه و کاذب عمل خود را توجیه کنند و آنرا بنفع استقلال و حاکمیت ملی ایران و نموداری از حسن نیت خود بشمار آورند. نخست وزیر تاکنون چند بار جریان این قرصه را مورد بحث قرار داده است. شاه نیز در مراسم سلام چهارم آبان بطور تلویحی بدفاع از آن پرداخت. ولی نه در نقطه های نخست وزیر و نه در اظهارات شاه هیچگونه دلیل مقنی که بتواند مجوز اقدام دولت قرار بگیرد وجود ندارد. نخست وزیر میگوید دلیل قرصه جدید آنست که استقلال و تمامیت ارضی ایران مورد تهدید قرار گرفته است او نمیکوید از کجا استقلال و تمامیت ارضی ایران مورد تهدید قرار گرفته است. ظاهراً مقصود منصور (با توجه بدعاوی روزنامه های دولتی) آنست که استقلال ایوان از جانب کشور های مستقل و ملی غربی و در درجه اول از طرف جمهوری متحده عرب مورد تهدید است. بنظر ما اولاً واقعیت غیر قابل انکار تکذیب کننده این ادعا است و ثانیاً بفرش در جمهوری متحده عرب مخالفی باشند که بساقه احساسات ناسیونالیستی نظریات سوئی نسبت

اعلامیه آیت اله خمینی

آیت اله خمینی ، که از مراجع بزرگ تقلید شیعیان است ، در مخالفت با لایحه مصونیت و معافیت مستشاران امریکائی ، که اخیراً از تصویب مجلس گذشت اعلامیه ای منتشر کرده است که ما اکنون اهم مطالب آنرا نقل میکنیم. آیت اله خمینی بمناسبت مخالفت با این لایحه و مبارزه بر ضد تعدیات و مظالم رژیم شاه ، مورد تعقیب قرار گرفت و طبق اطلاع رسمی سازمان امنیت از ایران تبعید گردید. آیا ملت ایران میدانند که در این روز ها در مجلس چه گذشت ؟ میدانند مجلس به پیشنهاد دولت سند پردگی ملت ایران را امضاء کرد ؟ اقرا بمستعمره بودن ایران نمود ، سند وحشی بودن ملت مسلمان را بامرکا داد. قلم سیاه کشید بر جمع مفاخر ملی و اسلامی ما ، قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزافهای چندین ساله ، بران قوم ایران را از عقب مانده ترین ممالک

بقیه در صفحه ۳

دوره پنجم شماره نود و چهار

اول آذر ۱۳۴۳

اعطای مصونیت سیاسی به کارشنان خارجی ضربه بزرگ بر استقلال و حاکمیت ایرانست

لایحه ای که اخیراً برای اعطای مصونیت سیاسی به کارشناسان خارجی از مجلسین ایران گذشت ضربه بزرگی بر استقلال و حاکمیت ایران و لکه زشتی بر چهره رژیم شاه است. این لایحه را مردم ایران بحق لایحه تجدید کاپیتولاسیون نام نهاده اند. فقط در شرایط اختناق و ارباب کنونی میتوان چنین گستاخی بزرگی بخروج داد و چنین قرارداد اسارت آوری را بملت ایران عرضه کرد.

بر آشفته گی افکار عمومی از مضمون لایحه بقدری بود که حتی بمجلس نیز سرایت کرد و نخست وزیر خود را مجبور دید که طی سخن رانی مبسوط و پر سر و صدائی به ترجمیه لایحه بپردازد. ولی وی با تمام کوششی که بکاربرد نتوانست حتی یک جمله در تأیید مضمون لایحه بیاورد و در توجیه آن فقط باین دلیل متوسل شد که گویانظیر این لایحه در بعضی از کشور های دیگر نیز بتصویب رسیده است.

مضمون اساسی لایحه این است که رئیس و اعضای هیئت های مستشاری امریکا در ایران در حین انجام وظائف پر دامنه خودشان بهر جرمی که دست بزنند از طرف دادگاههای صالح ایران قابل دستگیری و تعقیب نیستند. این کار را باید بعد ها دادگاههای کشور امریکا بر طبق تقاضای ایران و قوانین کشور

بقیه در صفحه ۲

ایران خرید توپ و تانک نیست

بکشور ما ابراز دارند: راه مقابله با این نظریات بهیچ وجه تحصیل قرصه های جدید و تشدید تسلیح ارتش نیست. برای دوستانه کردن مناسبات با جمهوری متحده عرب تنها یک راه معقول و صحیح وجود دارد و آن استقرار مناسبات سیاسی باین کشور و شروع مذاکرات بمنظور حل مسائل متنازع فیه و رفع اشکالات و اختلافات موجود است. کشور ما با جمهوری متحده عرب هیچگونه اختلافات غیر قابل حل سیاسی و اقتصادی ندارد. دشمنی با این کشور و تخطئه سیاست آن بنفع صلح و امنیت خاورمیانه و بعلاج میهن مان نیست. روزنامه های دولتی ایران مدتهاست که سیل تهمت و افترا بجنبش جمهوری متحده عرب و رئیس آن جمال عبدالناصر روان کرده اند. از این تبلیغات ارتجاعی و تحریک آمیز فقط امپریالیسم و دشمنان صلح و امنیت در خاورمیانه میتوانند استفاده کنند.

رژیم شاه بجای اینکه در صدد ایجاد مناسبات حسنه و حسن تفاهم با جمهوری متحده عرب باشد ، راه مسابقه تسلیحاتی و تهدید را در پیش گرفته است. حسناعی منصور در نطق خود در مجلس سنا گفت : « کوشش مستمر ما آنست که خاورمیانه مانند سایر مناطق در امنیت و آرامش بسر برد ولی اگر خود آنها نخواهند و یا بموجباتی فراهم شود که چنین آسایش را

بقیه در صفحه ۲

بوتراند راسل رژیم محمد رضا شاه را افشاء میکند

روزنامه الاهرام چاپ قاهره در شماره ۳۵ اکتبر خود مقاله بسیار جالبی از بوتراند راسل درج کرده بود که ما اینک خلاصه آنرا از نظر خوانندگان گرامی میکنانزیم : بوتراند راسل مقاله خود را چنین آغاز میکند : « مجله نیوز ویک در ماه مه ۱۹۶۱ اظهارات سناتور همفری را بچاپ رسانید. سناتور مذکور در آنجا چنین گفته بود : « آیا میدانید که فرمانده نیرو های ایران بیکی از رجال ما چه گفته است ؟ ... وی گفته است که ارتش ایران در سایه کمکهای کشورهای متحده امریکا دارای سازمان شایسته ایست و قادرست که رزماء مردم غیر نظامی را در دست بگیرد ...

بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

دوگام اسارت بار تازه رژیم استبدادی شاه

دارد که کسی را باتهام اثبات نشده از کشور نفی بلد کند، یعنی مورد مجازات قرار دهد! مگر قانون اساسی صدور احکام مجازات و از جمله نفی بلد را در صلاحیت محاکم قانونی نداشت است؟ کدام دادگاه قانونی چنین حکم جابرانه ای را علیه آقای خمینی صادر کرده است؟

آنچه که از طرف سازمان امنیت شاه «تحریرات علیه متافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی» تلقی گردیده و منجر به تبعید آقای خمینی شده این است که این روحانی میهن پرست و مبارز ضمن اعلامیه مشروح و مستندی شدیداً علیه تصویب این دو قانون اسارت آور برخاسته و کلیه طبقات مردم ایران و احزاب سیاسی را صرف نظر از اختلافات و مناقشات، در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت، امریکا و انگلستان باتحاد و عمل مشترک دعوت کرده است.

نفی بلد آیت‌الله خمینی موجی از خشم و نفرت در سراسر ایران برانگیخت. بازار ایران تعطیل شد. رژیم شاه بار دیگر به ترور متوسل گردید و بار دیگر تانک و توپ و سربازان مسلح بمیدان آمدند. سازمان های مختلف و از آنجمله حزب توده ایران، سازمانهای جبهه ملی در ایران و اروپا به نفی بلد آیت‌الله خمینی اعتراض کردند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران قانون وام دوستان میانیونی رایت قانون اسارت بارمیشود که علیه مصالح ملی ما متوجه است. شاه از طرفی با ارسال پیام به یونسکو و پیشنهاد آنکه بودجه های نظامی بسود کار فرهنگی مصرف گردد سیمای فرهنگ پرور بخود میگرد و از طرف دیگر با افکندن زنجیر وام جدید بگرمز مردم ایران باز هم به تسلیحات نظامی میدان میدهد. قانون مصونیت سیاسی مستشاران امریکائی یک تنگ ملی است و ضربت سنگینی بامتداد کشور ما است و ارتش ایران را بیش از پیش به ارتش دست نشانده بیگلنگان بدل میکند. خنده آور تر از این نمیشود که رژیم که چنین قانون را تصویب میکند، کسانی را که با این قانون مبارزه کرده اند بجرم «عقلمندی و استقلال و تمامیت ارضی کشور» بزندان میافکند و نفی بلد میکند.

مردم ایران هرگز زیر بار این قوانین اسارت آور نمیروند و با مبارزه متحد، سرخست و پیگیر خود آنها را بوقر باره های بوارزشی تبدیل خواهند نمود. تاریخ صد سال اخیر ایران نشان میدهد که ملت ایران بارها و با موفقیت برای الغاء قرارداد های اسارت آوری مانند قرارداد رژی، قرارداد و ثوق الدوله و قرار داد نفت مبارزه کرده است و با پیگیر و اعمال امریالیسم از قبیل نوز بلژیکی، میلیپیو و امثال وی را از کشور رانده است. جا دارد که مردم ایران و افراد میهن پرست ارتش ما از عمل پندران و نیاکان خود سرمشق بگیرند و برای الغاء قراردادهای اسارت آور و اخراج مستشاران بیگلنگانه، این عمل سفارت امریکا از ایران، مبارزه کنند.

اقدامات تصنیفی شاه علیه ملت ایران و از آن جمله تبعید آیت‌الله خمینی مورد اعتراض شدید ملت ما برآید که برای بازگرداندن آیت‌الله خمینی بایران و آزادی میهن پرستانیکه بجرم دفاع از استقلال کشور بزندان افتاده اند باید مبارزه شدیدی انجام گیرد. ما بدوستان جبهه ملی و دیگر سازمانهای ملی و دموکراتیک آمادگی خود را برای ایجاد کمیته مشترکی برای دفاع از آیت‌الله خمینی و مبارزه برای بازگرداندن ایشان بایران اعلام میداریم. در این موارد حساس باید مشترکاً عمل کرد، چه رسد سانسور شاه را افشا نمود، رژیم ترور را در ایران بر ملا ساخت و از عناصری که با استبداد شاه مبارزه میکنند مدافعه قطعی بعمل آورد. ما بنوبه خود در کشور و در خارج از کشور با تمام نیرو در این زمینه مبارزه خواهیم کرد.

فریدی نیست که علیرغم همه خیانت های رژیم شاه و همه توطئه های امریالیستی مردم مجاهد کشور راه را بسوی استقلال ملی، دموکراسی و ترقی خواهند گشود و امر عادلانه خود را بسا پیروزی قریب خواهند ساخت.

پیروزی پیکار عادلانه مردم ایران علیه استعمار و استبداد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ آبانماه ۱۳۴۳

بقیه از صفحه ۱

اعطای مصونیت سیاسی به کارشنان خارجی

ضربه بزرگ بر استقلال و حاکمیت ایرانست امریکا انجام دهند. یگانه تفلوتی که ظاهر این ماده در اصل کاپیتولاسیون دارد همان قید نامعین و نامشخص بود. در حین انجام وظیفه است، قیدی که در عمل هیچ وجه نمیتواند دست و پاگیر مأموران امریکا در ارتکاب جرائم باشد.

یکی از نشانه های ثابت استقلال هر ملت اینست که بتواند در خاک کشور خود قوانین خود را اجرا کند، و اینک دولت ایران در مورد عده ای از ساکنان این آب و خاک، عده ای از حقوق بگیران ملت ایران (یعنی مستشاران امریکائی) قانون کشور بیگلنگانه را با مال ساخته است. از فردا اگر یک مستشار امریکائی در خاک کشور ما بچاسوسی بپردازد از طرف دولت ایران قابل تعقیب نیست. از فردا اگر یک مستشار امریکائی در ارتش ایران مرتکب خرابکاری شود از طرف دولت ایران قابل تعقیب نیست. افسران شرافتمند ایران باید در چنین حالتی با کمال تأثر ناظر آن باشند که افسر خرابکار و جاسوس امریکائی با احترامات لازمه بکشور خود امریکا باز گردد و در آنجا سر انجام بیاس خدمات خویش بجائزه و ارتقاء مقام برسد!

نخست وزیر ایران جرأت نداشته است که از این مضمون لایحه سخنی بگوید. یگانه دلیل او در تیرنه لایحه اینست که نظیر آن را برخی دیگر از کشور ها نیز تصویب کرده اند. وی میگوید: امروز که «صحت از حکومت جهانی به میان می آید دیگر صحت اینک که اگر کسی در خدمت دولتی وارد میشود و مصونیت سیاسی او داده میشود کوچک ترین توهمی را بوجود بیاورد جائز نیست».

استدلال عجیبی است! بعقیده آقای نخست وزیر چون امروزه صحبت از حکومت جهانی به میان می آید پس ما باید قوانین امریکا را در باره عده ای از ساکنان خاک ایران و حقوق بگیران دولت ایران جاری بدانیم. این که دیگر حکومت جهانی نیست. حکومت امریکا است. این فقط سلب استقلال از کشور هائی نظیر کشور ایران است. در واقع هم در شرایطی که هنوز امریالیسم بر جلست، هنوز استعمار و استعمار نوین بر قرار است، هنوز همه ملت های جهان بشمار آورده اند و ترقی و عالم و برادری و برادری گام نهاده اند امریالیست ها که از «حکومت جهانی» صحبت میکنند هدف دیگری جز لغو حاکمیت ملت های دیگر و استقرار سیادت خود ندارند. رژیم شاه ایران نیز کشور ما را در جهت چنین حکومتی سیر میدهد.

مسئله مستشاران امریکائی برای ملت ایران مسئله تازه و ناشناخته ای نیست. سالهاست که مردم کشور ما این مستشاران را بعنوان عوامل خرابکار امریالیسم شناخته و ماهیت آنها را بتجربه دریافته اند. سالهاست که امریالیسم امریکا میکوشد حقوق سیاسی برای این عده در کشور ما بدست آورد تا آنکه شاید از این راه سرپوشی بر روی اعمال شرم آور آنها گذاشته شود. زیرا که اینان علاوه بر مأموریت هائی که از طرف وزارت جنگ و وزارت خارجه و اداره جاسوسی امریکا بر عهده دارند در کشور ما بحساب خود مرتکب انواع شایدها میگرددند. برای نمونه میتوان مثال آورد که مستشاران امریکائی طبق تصمیمات رژیم شاه از پرداخت حقوق گمرکی معاف اند و آنکه این معافیت از پیوسته وسیله ایجاد بازار سیاه در کشور ما ساخته اند. مجله تهران مصور در ۲۵ خرداد ۱۳۴۱ صورت داد که اعضا اصل چهارم، «مسیون نظامی و اقتصادی امریکا مهندسی خلیج در سال ۱۳۳۷ برای حوایج شخصی خود مبلغ ۳۳۰۰۰۰۰ ریال کالای معاف از گمرک وارد ایران کرده اند که در خیابان اسلامبول و فروشگاههای ایران با قیمت سرسام آور بفروش رسیده است.

اینک دولت ایران باین گونه شاید با مصونیت سیاسی نیز اعطا کرده است! دکتر میلیپیو در کتابی که پس از بازگشت بامریکا درباره ایران نوشت تأکید کرد که هیئت مستشاری امریکا در ایران، باید در واقع در زمینه امور مالی، اقتصادی و اجتماعی، دولت کشور ایران باشد، باید گفت که در واقع هم مستشاران امریکا در ایران همینطور عمل کرده اند و اینک لایحه اخیر که بآنان مصونیت سیاسی نیز می بخشد امکانات تازماری برای

بقیه از صفحه ۱

بر تراند راسل رژیم شاه را افشاء میکند

ارتش ما در صدد جنگ با روسها نیست بلکه برای نبرد با ملت ایران آماده میشود. این اعتراف از جانب کسی که نامزد نبایت ریاست جمهوری امریکا است، مقالی که ارتش ایران و کمک امریکا هر دو

بقیه از صفحه ۱

راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران...

بر هم بزنند تصمیمی بر ما نیست. سناتور وهرام در مجلس سنا بارها از این اظهارات تهدید آمیز فراتر نهاد و صریحاً گفت که ارتش ایران میتواند در ۲۴ ساعت ارتش ۲۵ هزار نفری عراق را سرکوب کند. این اظهارات نشانه آنست که زمامداران ایران در راه تحریک آمیز و اخلال گرانه ای قدم گذاشته اند که مسلماً برای میهن و مردم کشور ما حاصلی جز زیان نخواهد داشت.

این حقیقت مسلمی است که در شرایط کنونی جهان، استقلال و تمامیت ارضی کشور ما امری نیست که با خرید اسلحه و مهمات و با توپ و تانک و هواپیما تأمین شود. استقلال و حاکمیت کشور ما فقط از راه اتخاذ یک سیاست صحیح، عادلانه و منطبق با مصالح کشور ما قابل تأمین است. تحصیل قرصه از بانکهای امریکائی و خرید اسلحه و مهمات تنها حاصلی که دارد بهر دهن دادن قسمتی از ثروت کشور ما و ایجاد محیط سوءظن و عدم اطمینان و فراهم آوردن امکانات تازه ای برای پایمال کردن استقلال و حاکمیت کشور ما از جانب امریالیست های امریکائی است. صرف دوستان میلیون برای خرید اسلحه و مهمات، علاوه بر اینک یک ضربت بزرگ اقتصادی و مالی بر کشور ماست، دارای نتایج وخیم سیاسی نیز هست. بدون هیچگونه تردید، همراه اسلحه و مهمات جدید، تعداد زیادی مشاور نظامی امریکا نیز بسوی ایران سرازیر خواهند شد و مواضع جدیدی در ارتش ایران بدست مشاورین امریکائی خواهد افتاد. مشاورین نظامی امریکائی مجری سیاست وزارت امور خارجه و وزارت دفاع امریکا هستند و با توجه بلاحیه مصونیت مشاورین نظامی امریکائی باید مطمئن بود که قدمهای جدیدی در راه پایمال کردن استقلال و حاکمیت کشور ما برداشته خواهد شد.

جالب است که رژیم شاه نام تمام این اقدامات ضد ملی را دفاع از استقلال و حاکمیت کشور میگذازد و بشماره برای عمل خود دلیل میترشد. ما اعتقاد راسخ داریم که سیاست کنونی رژیم شاه یک سیاست ضد ملی، مخالف مصالح و استقلال ملی کشور، ماست و مبارزه برای تغییر این سیاست یکی از وظائف بزرگ ملی و میهنی است که در برابر تمام ایرانیان میهن پرست و شرافتمند قرار دارد. راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران خروج از بیمان ستو، لغو قرار داد دو جانبه نظامی با امریکا، اتخاذ سیاست بیطرفی و استقرار مناسبات دوستانه و مبتنی بر احترام متقابل باتمام کشور های جهان است. معارضة باجنش نجات بخش ملی عرب، مرافعه با جمهوری متحده عرب و جمهوری عراق بضرر کشور ماست. از این جریان فقط امریالیست ها یعنی دشمنان استقلال و حاکمیت ملی ما استفاده میکنند. این سیاستی است بضرر صالح و امنیت در خاور میانه، بضرر صالح جهانی و بضرر مصالح حیاتی میهن و مردم ما.

این «دولت در دولت» بوجود میآورد. دکترین میلیپیو در این هنگام تأکید میکرد که باید ماهیت هیئت های امریکائی را پوشیده نگذاشت تا آنکه احساسات ایرانیان برانگیخته نشود. ولی اینک رژیم شاه باتکا سازمان امنیت و سر نیزه های احتیاطی خود بان درجه از گستاخی رسیده که چنین احتیاطی را لازم نشمرده و لایحه استقلال شکن اخیر را در مورد اعطای مصونیت سیاسی به مستشاران امریکائی در مجلس گذرانده است!

بسیار جالب توجه است که دولت های خارجی فقط پس از سالها جنش خوین توانستند در موقع خود اصل کاپیتولاسیون را بر دولت ایران تحمیل کنند. اما امروز در اثر خیانت شاه و دستیارانش لایحه ای همزاد کاپیتولاسیون بچنین آسانی بر ملت ایران تحمیل میشود! در نوامبر ۱۹۴۹ روزنامه نیویورک هرالد تریبون بمناسبت سفر شاه بامریکا در تفسیر اعلامیه وزارت خارجه امریکا در باره محمد رضا شاه چنین نوشت: «امروزه او (یعنی شاه ایران) میکوشد دو چیز بدست آورد: اسلحه و پول». این روزنامه درست نوشته بود. هنوز هم هدف محمد رضا شاه همین است: اسلحه و پول برای سرکوب ملت ایران و انباشتن گنجینه های باد آورده خود. در برابر اینهاست که محمد رضا شاه استقلال کشور ما را در پای امریالیست ها نثار میکند.

علی ابراهیمی

در دست اوست، حائز اهمیت بزرگی است. زیرا که آنچه در مورد ایران صادق است در مورد اکثر دولتهای دیگری نیز که از پشتیبانی امریکا برخوردارند صادق می باشد. برتراند راسل مینویسد: «من ایران را بعنوان نمونه ای از جهانی که غربی ها آنرا «جهان آزاد» مینامند انتخاب کردم و امیدوارم که پس از مطالعه مثال مذکور این نکته روشن گردد که در حکومت اعضا «جهان آزاد» از آزادی و رفاه اجتماعی نمیتواند اثری در میان باشد».

آنکه برتراند راسل توضیح میدهد: «ارتش ایران مرکب است از دوستان هزار سپاهی در خدمت محمد رضا شاه... گفته میشود که هدف گردآوردن چنین ارتشی دفاع از ایران در برابر تجاوز خارجی است و نیروهای امریکائی که در آبهای خلیج فارس هستند از طریق مانور های گاه بگاه خود ارتش ایران را پشتیبانی میکنند. از طرف دیگر نیروی بزرگ پلیس ایران و افراد پلیس مخفی که مجموعاً متجاوز از ۶۰ هزار نفر بشمار میآیند این ارتش را تقویت مینمایند. اما وظیفه حقیقی اینهمه افراد مسلح مبارزه با انگلیسیان لوله های نفت و بالایشگاههای نفت که متعلق بامریکا و انگلستان است، اداره مرکزی اطلاعات امریکا آشکارا نقش مهمی در ایران بازی میکند که میتوان اندازه اش را از روی نقش وی در سقوط حکومت محمد مصدق که صنعت نفت ایران را ملی کرد دریافت. برتراند راسل پس از آنکه استبداد و فساد حکومت محمد رضا شاه را بر ملا میگردد مینویسد که اگر مطبوعات غربی که در موارد نادری در این مسائل سکوت اختیار می کنند در اثر پول زیادی است. که محمد رضاشاه برای تبلیغات دروغین خرج میکند. برتراند راسل اصلاحات ارضی شاه را بتفصیل مورد بحث قرار داده ماهیت مالکانه آن را نشان میدهد. شاه همچنان بزرگترین مالک ارضی است و پولی را که از فروش قسمتی از املاک غصبی خویش بدست میآورد در کشتی های نفتکش، در بانکهای اروپا و امریکا، در عشرت های شبانه، در هتل های اکسف جهان بکار میاندازد. باین طریق محمد رضا شاه - بنا بر نوشته برتراند راسل - دلاک کم سود و تضمین نشده خود را با منابع سود آور و تضمین شده در خارج ایران تعویض کرده است».

برتراند راسل بشرح قفر و بیخمانی توده های مردم ایران پرداخته مینویسد که طبیعتاً چنین وضع وخیمی قابل تحمل نیست و موجب برانگیختن اعتراضات شدید طبقات مختلف میگردد. آنکه در چنین مواردی فوراً شاه به نیرو های مسلح توسل میجوید و با کمال بیرحمی از مردم کشتار میکند. برتراند راسل بعنوان نمونه از حملات مکرر ارتش و پلیس به دبستانها و دبیرستانها و دانشگاههای ایران صحبت میدارد و نامه ای را که رئیس دانشگاه تهران، دکتر فرهاد، در باره هجوم قوای مسلح بدانشگاه بزرگترین دولت وقت نوشت (نامه ای که در موقع خود در روزنامه مردم نیز انتشار یافت) گواهی میآورد.

برتراند راسل در پایان نامه خود نشان میدهد که چگونه محمد رضا شاه با اینهمه ثروت هنگفت که بهم زده است باز از توسل به پست ترین شیوه های جمع آوری از قبیل قاچاق مواد مخدره دست بردار نیست. وی مینویسد که محمد رضا شاه مالک منحصر بفر کلبه مزارع تریاک در ایران است. وی مینویسد که تاسال ۱۹۵۳ هروئین در ایران معمول نبود و محمد رضا شاه باشاغ آن اقدام کرد زیرا که تجارت آن بیشتر از تجارت تریاک منفعت میدهد. در سال ۱۹۶۰ پلیس سوس اشرف پهلوی خواهر محمد رضا شاه را بعلت حمل مقدار زیادی هروئین قاچاق توقیف کرد. برتراند راسل مینویسد که طایف آمار رسمی گمرکی امریکا ایران بزرگترین منبع صدور مواد مخدره قاچاقی بآن کشور است. ولی مقامات دولتی امریکا بعلت موقعیتی که شاه در نزد آنان دارد این امر را با دیده اغماض مینگرند.

برتراند راسل مقاله خود را باین جمله پایان میبخشد: «اینک که جنبش ملی در ایران برپا میشود آیا دولت امریکا همچنان که در ویتنام عمل کرد و هزاران نفر از افراد بشری را برای سرکوب انقلاب به جنگ کشانید به حمایت «آزادی» در ایران خواهد شتافت؟». جواب این سؤال وابسته بآن است که ما تا چه حد بتوانیم برده ها را از جلوی چشم ملت امریکا و سایر ملل غرب برداریم و حقیقت «جهان آزاد» و جنگ سرد را بآنها نشان بدهیم».

بقیه از صفحه ۱

ثروت عظیمی که بغارت می‌رود

است بشما بدهند. شاید این بهترین توضیحی باشد که در باره ماهیت غارتگرانه قرارداد کنسرسیوم شده است. از آن زمان دهسال میگذرد و این ماهیت غارتگرانه بقدری آشکار شده است که از دکتر امینی عاقد قرارداد کنسرسیوم، که گفت داین قرارداد ایدال ملت ایران نیست، گرفته تا برخی از روزنامه های دولتی مانند «صدای مردم»، که کنسرسیوم را «غارتگر» مینامند، از شاه که تاج و تخت خود را بپهانی موافقت با تساط مجدد امپریالیستها بر منابع نفت ایران بدست آورده و اینک از تصمیمات «یکجانبه»، کنسرسیوم اظهار «نارضایتی» میکند گرفته تا محافل دولتی و نفتی ایران، که چندین سال است «برای احقاق حق ایران» از کنسرسیوم بمذاکره با شرکت های نفتی مشغولند، همه و همه نچایند که بشکلی بحق پامال شده ایران اعتراف کنند. این اعتراف اجباری از طرف مقامات حاکمه ایران البته به آن دلیل نیست که چرا کنسرسیوم بر نفت ایران مسلط است و طی دهسال گذشته از ۷۰ میلیون تن تولید نفت ایران در حدود ۱۹۰۰ میلیون دلار (براساس تقسیم بالنصفه ظاهری) در آمد داشته است. مقامات حاکمه ایران که حاکمیت غاصبانه خود را مدیون همین تساط غارتگرانه میدانند با اصل غارت نه فقط مخالف نیستند، بلکه بارها اعلام کرده اند که قرارداد خائنانه کنسرسیوم را «محترم» میشارند. و خیانت مسلم آنها در همین موافقت است. نارضایتی محافل حاکمه ایران که برای حفظ همین رژیم وابسته به امپریالیسم بیول احتیاج دارند اینست که کنسرسیوم حتی قرارداد تحمیلی خود را هم محترم نمیشمارد و بنا به تعارف مقامات رسمی ایران حداقل در ۶ مورد آنرا نقض کرده است. که در واقع خیلی بیش از اینهاست. تنزل یک جانبه و بدون اطلاع قیمت نفت که موجب تقلیل در آمد ایران از نفت شد، «قلب» در بهره مالکانه که باز هم در آمد نفت ایران را تقلیل داده، جلوگیری آگاهانه از افزایش تولید نفت تصفیه شده که هم در آمد نفت ایران را تقلیل میدهد و هم پالایشگاه آبادان را از اهمیت میاندازد، کم نکردن تعداد کارمندان خارجی کنسرسیوم، اخراج دسته جمعی کارگران ایرانی بپناه تقلیل هزینه تولید نفت، «تجدیل مخارجی که در اصل بر عهد کنسرسیوم است» مانند ساختمان مؤسسه نفت در جزیره خارک، شرکت ملی نفت ایران، فقط نمونه های فوق العاده برجسته ای از این نقض قرارداد است. کنسرسیوم نفت عینا مثل شرکت سابق نفت ایران و انگلیس مانند دولتی در داخل دولت ایران، مانند ارباب در خانه خود، نه فقط بزرگترین ثروت ملی ما را بغارت میبرد، بلکه با انواع تقلبها همان ثروت داهی را هم که بین ارباب و نوکر بسته شده است بقتل و تفسیر میکند و با پیشرفتهای زیر پا میگذارد، ملت ما که ملی کردن صنایع نفت نخستین گام بزرگ را در راه محو پایگاه امپریالیسم در ایران برداشت و در کار آن بود که استقلال واقعی اقتصادی و سیاسی خود را بدست آورد، با انقراض قرارداد کنسرسیوم و تساط مجدد انحصارات نفتی، دو باره و این بار بیش از گذشته به امپریالیسم وابسته شد.

انقراض قرارداد کنسرسیوم فقط وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم را دربر ندارد. اگر حکومت ملی دکتر مصدق بایک کودتای نظامی امپریالیستی سرنگون نمیشد و بجای آن رژیم دست نشانده شاه مستقر نمیشد، در رژیم شاه هزاران نفر از مبارزان ضد استعمار را بزدانان نمی انداخت و صدها نفر از بهترین فرزندان میهن ما قربانی نمیشد، اگر ترور پلیسی ابتدائی ترین آزادیهای مردم ایران را از بین نمیداد و از ایران عزیز ما یک زندان بزرگ بسا پاسداری سرنیزه امریکائی و انگلیسی ایجاد نمیکرد، «قرارداد کنسرسیوم بوجود نمی آمد. ثروت عظیمی که بغارت می‌رود فقط باسلط صاحبان این ثروت امکان پذیر گردیده است. آن در آمد نفتی هم که مقامات حاکمه ایران اینهمه بدان میفزایند، بطور عمده یا دو مرتبه از راه بازرگانی خارجی، سازمان برناله، «قرضه خارجی بچیب امپریالیستیک» بر میگردد و یا از راه افزایش مخارج نظامی و مخارج دستگاه اداری صرف حفظ رژیم میگردد که این خوان یغما را برای امپریالیستیکاست کسرتده است. بهمین جهت اینک که دیواره سرو صدای دادن امتیاز منطقه شماره یک خلیج فارس بلند شده و رژیم شاه باز هم قسمتی از ثروت ملی را بحراج گذاشته است، میتوان بسادگی دریافت که گام جدیدی در راه تشدید اسارت میهن ما وغارت ثروت ملی ما برداشته شده است.

بقیه از صفحه ۱

اعلامیه آیت اله خمینی

بکنند، هر جنایتی نمایند پایس حق بازداشت آنها را ندارد. محاکم ایران حق رسیدگی ندارند. ولی اگر بیک سگ آنها تعرض بشود پلیس باید دخالت کند و دادگاه باید رسیدگی نماید. امروز که دولتهای مستعمره بیکم پس از دیگری با شهادت و شجاعت خود را از تحت فشار استعمار خارج میکنند و زنجیر های اسارت را پاره میکنند، مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن دو هزار و پانصد ساله با لاف و گراف هرمردیف بودن با ممالک مترقیه به ننگین ترین و موهن ترین تصویب نامه غلط دولتهای بی حیثیت رأی میدهد و ملت شریف ایران را به پست ترین و عقب مانده ترین ملت بهالام معرفی میکنند و با سرفروزی هرچه تمامتر دولتهای از تصویبنامه غلط دفاع میکنند و مجلس رأی میدهد. از بعضی منابع مطلع بمن اطلاع دادند که این طرح مفتضح را بدولت پاکستان، اندونزی، ترکیه و آلمان غربی پیشنهاد کرده اند و هیچکدام زیر بار این اسارت نرفته اند. تنها دولت ایران است که اینقدر با حیثیت ملیت و اسلامیت ما بازی میکند و آنرا بیاد فنا میکند.

علماء و روحانیون که میگویند باید قدرت سرنیزه در مقدرات کشور دخالت کند، باید وکلای پارلمان میبوت از ملت باشند، باید دولتها ملی باشند، باید اختناق از مطبوعات برداشته شود و سازمانها نظارت در آنها نکنند و آزادی را از ملت مسلمان سلب ننمایند برای آنست که این ننگها را بر ملت تحمیل نکنند و ما را مواجه با این مصیبت ها ننمایند، چرا وکلای پارلمان با آنکه بحسب قاعده انسانیت و ملیت باهمجو سند اسارتی صد در صد مخالف هستند نفس نمیکنند و جز دو سه نفر از آنها که معلوم است با اضطراب صحبت کرده اند خاموش نشسته اند، برای آنکه انکاء بعلت ندارند، دست نشانده هستند و قدرت مخالفت ندارند، آنها را با یک اشاره بیرون میریزند، بزدانان میاندازند، آیا ملت ایران میدانند که افسران ارتش بجای سوگند بقرآن مجید (بکتاب اسمانی که بان اعتقاد دارم) یاد کردند، این همان خطریست که کراراً تذکر دادم، خطر برای قرآن مجید، خطری برای اسلام عزیز، خطر برای مملکت اسلام، خطر برای استقلال کشور.

سپس آیت اله خمینی میگوید: «دنیا بداند هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از امریکاست، ملل اسلام از اجانب عموماً و از امریکا خصوصاً متفقین است. بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست، اجانبی که که مخازن بر قیمت زیر زمین ما را بیفعا برده و میبرند، انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بابه ناچیز برده و میبرد، اجانب اند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف بان حمله کرده و سربازان ما را از پای در آورند. دیروز ممالک اسلامی بجنکلی انگلیس و عمل آن مبتلا بودند، امروز بجنکلی امریکا و عمل آن. امریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی میکند. امریکاست که به اسرائیل قدرت میدهد که اعراب مسلم را آواره کند، امریکاست که وکلاء را بیواسطه یا با واسطه بفرست ایران تحمیل میکند. امریکاست که اسلام و قرآن مجید را بجلال خود مضر میانداند و میخواهد آنها را از جلو خود بردارد. امریکاست که روحانیون را خار راه استعمار میانداند، باید آنها را بجس و زجر و اهانت بکشد. امریکاست که بحسب و دولت ایران فشار میآورد که چنین تصویبنامه مفتضی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال میکند تصویب و اجرا کنند. امریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بد تر از آن میکند. بر ملت ایرانست که این زنجیر ها را پاره کند، بر ارتش ایرانست که اجازه رژیم شاه که برای حفظ خود احتیاج روز افزونی بیول دارد و در ذینفع کردن امپریالیستها در سرنوشت رژیم خود میکوشد، ثروت ما را بر باد میدهد و زنجیر وابستگی بامپریالیسم را محکمتر میکند. پنجاه سال تسلط شرکت سابق نفت ایران و انگلیس و دهسال تساط کنسرسیوم بین المللی نفت باندازه کافی ب مردم ایران تجربه آموخته است که تساط امپریالیسم بزمنافع نفتی ما تحت هر عنوان و بهر شکلی که باشد نتیجه ای جز غارت ثروت ما و پایمال کردن استقلال اقتصادی و سیاسی ما دربر ندارد. انوشه

ندهند چنین کار های ننگین در ایران واقع شود، از بالاترها بهر وسیله هست بخواهند این سند استعمار را پاره کنند، این دولت را ساقط کنند، وکلای که باین امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند، بر ملت است که از علماء خود بخواهند در این امر ساکت نشینند و اقدام کنند، بر علماء اسلام است که از مراجع اسلام بخواهند این امر را ندیده نگیرند، بر فضلا و مدرسین حوزه های علمیه است که از علماء اسلام بخواهند که سکوت را بشکنند، بر طلاب علوم است که از مدرسین بخواهند که غافل از این امر نباشند، بر ملت مسلمان است که از وعظ و خطباء بخواهند که آتازا که آگاه از این مصیبت بزرگ نیستند آگاه کنند، بر خطباء و وعظ است که با بیان محکم بی هراس بر این امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند، بر استادیان دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند، بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح مخالفت کنند و با آرمش با شعارهای حساس مخالفت دانشگاه را بملتهای دنیا برسانند، بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته ساکت نشینند، بر پیروان دول اسلامی است که فریاد ما را بدینا برسانند و از مرکز پخش آزاد ناله جانسوز این ملت بدیخت را بجهان گوشزد کنند، بر علماء و خطباء ملل اسلامی است که با سبیل اعتراض این ننگ را از چهره ملت معظم ایران، برادران اسلامی خود بزدایند، و بر جمع طبقات ملت است که از مناقشات جزئی موسمی خود صرف نظر کرده و در راه هدف مقدس استقلال و یون رفتن از قید اسارت گوشش کنند، بر رجال شریف سیاسی است که ما را از مطالب زیر پرده که در مجلس گفته شد آگاه نمایند، بر احزاب سیاسی است که در این امر مشترک با یکدیگر توافق کنند. هدف مراجع عظام و روحانیون در هر جا باشند یکی است و آن پشتیبانی از دیانت مقدسه اسلام و قرآن مجید و طرفداری از میهن است. اختلافی بین علماء اسلام و نگهبانان اسلام در این هدف مقدس نیست. اگر فرمناً اختلاف اجتیهاد و نظری در امری جزئی و ناچیز باشد، مثل سایر اختلافات در امور فرعی مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست. اگر سازمانهای دولتی گمان کرده اند که با سبشی ها میتوانند ما را از هدف مقدس خود منحرف کنند و بدست چهل متعصب بقصد شوم خود برسند، خطا کرده اند. سپس آیت اله خمینی میگویند: «آیا ملت مسلمان میدانند که در حال حاضر عدوی از علماء و مبلغین سیاسی و بسطاری از مسامین بیگانه در زندانها بسر میبرند و بر خلاف قوانین آنها را بدون رسیدگی مدتهای مدیدی زندانی کرده اند و مرجعی نیست که باین وضع هرج و مرج ارتجاعی و قرن وسطانی خاتمه دهد. اینها دنباله قتل عام پانزده خرداد و دوازده محرم است که چراخت آن از قلب ملت پاك نخواهد شد.

بقیه از صفحه ۴

در سیزدهمین دوره اجلاسیه...

تنها مشی صحیح در سیاست جهانی حمایت کرد و از روشهای تبهکارانه امپریالیستها در ویتنام جنوبی و لائوس و خلیج تنگن و ککو و کوبا شدیداً انتقاد نمود. نماینده ایران گفت رژیم ارتجاعی شاه تحت حمایت امپریالیسم در کشور ما بساط ترور و اختناق عمومی را گسترده و هر گونه فعالیت سندیکائی بمعنای واقعی کار را سرکوب میکند. نماینده ایران گفت کارگران و زحمتکشان ایران در شرایط دشوار کنونی بمبارزه خود برای احقاق حقوق خویش ادامه میدهند.

شورای عمومی در خاتمه فعالیت خود بیانهای خطاب بزحمتکشان دنیا و قطعنامه ای در باره ویتنام جنوبی صادر کرد. شورا در بیانیه خود خاسطر نشان ساخت که اتحاد و یگانگی زحمتکشان در عصر ما اهمیت ویژه ای دارد. در بیانیه ذکر شده است که کارگران باید در راه احقاق حقوق صنفی خود (اضافه دستمزد، تقلیل ساعت کار بدون کسردستمزد، بهبود شرایط کار، بیمه اجتماعی، تمدید مرخصی با استفاده از حقوق، آزادی فعالیت

بقیه از صفحه ۴

در شورای فدراسیون دموکراتیک...

نیرو های مترقی دنیا و قلمی بجلو در راه خلع سلاح کامل و آرامش محیط بین المللی تاقی نموده است. نمایندگان اکثریت کشورها در اطراف هر دو موضوع چه در جلسه عمومی و چه در کمیسیونها بحث نمودند. نمایندگان ایران هم که درشورا حضور داشتند در بحث شرکت نمودند و از جمله نماینده ایران در جلسه عمومی چنین گفت: «راست است که پس از نیم قرن مبارزه زنان مترقی ایران، حق انتخاب دهی بر زنان ایران داده شده است و چند زن وکیل و سناتور در این مجالس شرکت میکنند ولی آنچه که بدست و پای زن ایرانی چه شهری و چه روستایی زنجیر نهاده است قانون مدنی است که حق طلاق و حق نگهداری کودک، اختیار مسکن، حق انتخاب شوی، حق مسافرت و حق ارث متساوی بامردو. را از زن سلب کرده است و طبقه حاکمه رسماً اعلام داشته است که تغییری در این قانون ظالمانه داده نخواهد شد.

زنان روستایی و عشایر که تقریباً در حدود ۸ میلیون میباشند علاوه بر تمام محرومیهائی زنان شهری از برخورداریهای نسبی آنان نیز کمترین نصیبی ندارند و چنانچه بامار داده شده از طرف مقامات رسمی کشور باور داشته باشیم که ۸۰ درصد زنان در ایرات بیسوادند بطور حتم میتوان گفت که زنان روستاها صد درصد بیسواد و در جهل و خرافات غوطه ویزند. آنان ازبام تاشام (طبق گفته ارستجانی وزیر اسبق کشاورزی) دوش بدوش مردانشان در کار تولیدی کشاورزی شرکت و حتی بهتر از آنها کار میکنند. ایران روزی ۱۲ الی ۱۴ ساعت کار با وسائل بدوی نمینماید.

در فرم ارضی انجام شده در کشور طبق آمار رسمی دولتی تا ژوئن ۱۹۶۴ از ۴۸۹۹۲ ده متعلق بمالکین بزرگ، دولت فقط ۹۷۶۸ ده را خریداری و بین ۳۳۹۳۰۷ خانواده روستائی با قساص فروخته است ولی کلیه اسناد مالکیت بنام رئیس خانواده که شوهر است صادر گردیده و چون شوهر حق دارد که هروقت میل کند زن را طلاق بدهد و از منزل بیرون کند زن حتی مالک یکجوب زمین نخواهد بود. وزیر کشاورزی وقت (ارستجانی) باتفراس سازمانهای زنان باین امر چنین گفت: «این کار برای رعایت عرف است، سپس نماینده زنان ایران چنین گفت: زن ایرانی میدانند که مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی و رسیدن بحقوق حقه خود از مبارزه در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز و خلع سلاح اتمی و منع کامل آزمایشات هسته ای جدا شدنی نیست و بهمین جهت خواستار کناره گیری ایران از قراردادهای نظامی میباشد. (قرارداد نظامی سنتو و قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا).

پس از بحث مفصل در اطراف گزارشها و قطعنامه های مربوطه غیر از عده معدودی، اکثریت روش کار فدراسیون را در سال گذشته تأیید و برناله سال ۱۹۶۵ که عبارت است از ادامه کار هستی آغاز شده بعلاوه «تجهیز کلیه سازمانهای زنان برای محو کامل سلاح های اتمی» منع کامل آزمایشات هسته ای - تخلیه تمام پایگاههای نظامی در کشور های دیگر - خروج دستجات نظامی از کشور های خارجی و لغو قرار داد های دویلیچند جنبه نظامی و خلع سلاح عمومی و کامل و دفاع از آزادی و همزیستی مسالمت آمیز - پشتیبانی از کلیه نهضتهای زنان و ملی که برای بدست آوردن استقلال کامل و رهائی ازقید هر گونه استعمار واستعمار امپریالیسم و استعمار کهن و نو و تبعیض نژادی مبارزه میکنند.

بقیه از صفحه ۴

مسابقه دروغگوئی با علیحضرت همایونی!

دروغگوئی با علیحضرت از طرف وی گشوده شده است. اگر در سایر موارد پیشدستی و ابتکار نسبت باعلیحضرت جرم محسوب میشود، بنظر میرسد که اینبار اعلیحضرت از آنکه ابتکار مسابقه دروغ-گوئی را یکی از نوکران ایشان بر عهده گرفته خیلی ناراضی نباشند. چون اگر دروغشان فاش شد میتوان بلافاصله نوکر را عوض کرد. در حالیکه خود اعلیحضرت همچنان ارباب باقی خواهد ماند.

سندیکائی و غیره و غیره (مبارزه نمایند. شورای کل تقاضای وابستگی پنج سازمان سندیکائی ککو و ویتنام جنوبی و مارتینیگ و ونزولا و کولیان را بانفاق آراء تصویب کرد. دهگان

مردم

نویسنده: دکتر علی شریعتی

«شدت عمل» ملوکانه

شاه در نطق چهارم آبان خود اعتراف کرد که وزیر پست و تلگراف کابینه منصور هم دزد از آب درآمده و از کار برگزار شده است. وی بدینمناسبت چنین گفت: «ما فساد را در هر کجا که باشد و از هر طریق که لازم باشد ریشه کن میکنیم. متأسفانه باید بگویم که تاکنون سرهای عالیمقامی مشمول این مبارزه با فساد شده است. بدیهیست آن شدتی که در این راه در قسمت لشکری بکار رفته است بیش از پیش قسمت کشوری نیز سرایت خواهد کرد» شاه با این جملات یکبار دیگر خود را قهرمان مبارزه با فساد نشان داد. اما حوادث سالهای اخیر بروشنی نشان میدهد که مبارزه با فساد شاه، بازی مسخره ای بیش نیست. این بازی مسخره را شاه سه سال پیش آغاز کرد. از آن هنگام تاکنون عده قلیلی از امرای لشکری و کشوری بازداشت و محاکمه شده‌اند اما نه این بازداشتها همه وزیران و غارتگران را دربرگرفت و نه عده قلیل بازداشت‌شوندگان برای اعمال تبہکارانه خود رسیدند.

«محاکمات بزرگ» با محاکمه سرتیپ نویسی و همکارانش در شلات آغاز شد. اتهام سرتیپ نویسی ارتکاب ۱۸ فقره جرم بود، اما سرتیپ نویسی نه تنها امروز در زندان نیست، بلکه بموجب رأی اخیر دیوان کفر تبرئه شده و حقوق و مزایای این چند سال را بعنوان ناز شست یکجا از صندوق دولت تحویل گرفته است. سپهبد کیا یکی دیگر از سران دزد و فاسد ارتش بود که به محاکمه تسلیم شد. او میلیونها متر اراضی را

غصب نموده و املاک دیگران را بنام خود به ثبت داده بود. او در انتخابات اعمال نفوذ نموده و میلیونها ریال از این راه بجیب زده بود. حاج علی کامرتکب انواع سوء استفاده‌ها در اموال عمومی شده بود. اما امروز این دزد بزرگ کجاست؟ او بیرکت مبارزه با فساد شاه سند تبرئه خود را از دادگستری گرفته و به بهره برداری از اموال غارتی مردم مشغول است. سپهبد علوی مقدم نیز یکی از بازداشتشدهای ارتش بود. او متهم بود که در اموال شرکت واحد اتوبوسرانی سوء استفاده نموده است. اما وزارت دادگستری شاه او را هم غسل تطهیر داد و روانه ساخت. سرلشکر ضرغام وعده ای دیگر از متهمین ارتش نیز بهمین نحو آزاد شدند. امروز تنها هدایت و وثوق و یکی دو نفر دیگر از ارتشیان فاسد در زندان هستند که آنها هم با وجود دزدی و سوء استفاده‌های کلان هر کدام محکومیتی فقط در حدود ۲ - ۳ سال زندان دارند.

اینها بودند آن «سرهای عالیمقامی» که بقول شاه مشمول مبارزه با فساد شده‌اند. حالا گویا قرار است این «شدت» عمل به قسمت کشوری هم کشانده شود. باید انتظار داشت که در آینده نزدیک چند وزیر و مدیر کل دزد بازداشت شوند و در فاصله ای کوتاه یک‌یک سند تبرئه خود را گرفته و با سلام و صلوات از دادگستری خارج شوند. مبارزه با فساد شاه جز این نمیتواند باشد. کسیکه خود واجد همه معایب و مقاصد است نمیتواند با فساد مبارزه کند.

ریا کاری در مقیاس بین المللی

دو ساله سر بازی را تحت عنوان ظاهر قریب «تشکیل سپاه دانش» بر بودجه فرهنگ تحمیل کند و تازه بجای اعتراف باین حقیقت شرم آور قدیمی شود که گویا قسمتی از هزینه فرهنگ را از «مجل اعتبارات نظامی» تأمین نموده است. حق اینست که همه دشمنان دانش بشری و پیشرفت و تکامل ملل از این «نوآوری شاهانه» درس بیاموزند. شاه این مطلب را که طبق آمار شعبه فرهنگی یونسکو نسبت بیسوادان در بعضی ممالک تا ۹۰ درصد جمعیت است چنان با حیرت و تأسف تلقی میکند که گویا در ایران نسبت بیسوادان بکلی غیر از این است. در حالیکه طبق اعتراف مکرر مقامات مسئول نسبت بیسوادان در ایران ۸۵ درصد است و این نسبت در دهات ایران که مجموعاً ۱۶ میلیون جمعیت کشور را در بر میگیرد گاه تا ۹۴ - ۹۵ درصد جمعیت میرسد. شاه در پیام خود بکنفرانس یونسکو میگوید: «من صمیمانه آرزو مندم که در سراسر جهان قسمتی از بودجه‌های نظامی بجای هر پیکار دیگری در راه این پیکار بزرگ (منظور مبارزه با بیسوادیت) بکارافتد». جالب است که این «آرزوی صمیمانه» شاهشاه درست در روزهای اعلام شده که دولت شاه بقیه در صفحه ۳

اخیراً بمناسبت تشکیل کنفرانس یونسکو، شاه دو پیام، یکی بعنوان سران کشورهای جهان و دیگری خطاب بکنفرانس فرستاده است. در این دو پیام، منشی دربار تمام بضاعت علمی و ادبی خود را مایه گذارده تا سیمای پادشاهی مستبد را که خادم وفادار جهل و بیدانسی است با نقابی از بشر دوستی و فرهنگ پروری پوشانده اما حقایق چنان روشن است که این کوشش ناگامی انجامیده است. شاه در یکی از این پیامها از اینکه «طبق آمار یونسکو تعداد بیسوادان در سراسر جهان به یک میلیون نفر میرسد» ابراز تأسف و تأثر شدید میکند و ضمن اعتراف باینکه ایران «تا حد زیادی» با بلای بیکاری دست بگریبان است میگوید: «ما برای مبارزه فاسط و مؤثر با این درد، در کشور خود اقدام به تشکیل نیروی بنام «سپاه دانش» کرده ایم که قسمتی از بودجه آن از محل اعتبارات نظامی ما تأمین میشود و تصور میکنم این اقدام تا حد زیادی در دنیا بیسابقه بوده است». در اینکه چنین اقدامی در جهان بیسابقه است ما تردید نداریم، چون کمتر کشوری در جهان است که بودجه نظامی اش ۱۲ برابر بودجه فرهنگی باشد و در عین حال قسمتی از هزینه مربوط بخدمت

درسینزدهمین دوره اجلاسیه شورای کل فدراسیون سندیکای جهانی

دوره اجلاسیه سیزدهمین شورای کل فدراسیون سندیکای جهانی در ۱۹ - ۲۴ اکتبر ۱۹۶۴ در بوداپست تشکیل شد. قبل از تشکیل دوره اجلاسیه شورا، بیست و هشتمین دوره اجلاسیه کمیته مرکزی فدراسیون سندیکای جهانی روزهای ۱۷ و ۱۸ اکتبر در بوداپست برای تصویب برنامه و مطالب مورد مذاکره در شورا تشکیل شده بود. موادی که در دستور شورا قرار گرفت عبارت بود از گزارش لوئی سایان دبیر کل فدراسیون تحت عنوان «قدرت سیون سندیکای جهانی مدافع حقیقی زحمتکشان است»، انتخاب کمیسیون برای اصلاح و تکمیل برنامه فدراسیون، بیانیه فدراسیون و یک سلسله مسائل تشکیلاتی دیگر. در دوره اجلاسیه شورای کل از طرف کارگران و زحمتکشان ایران رفیق روستا عضو هیئت اجرائیه و شورای کل فدراسیون سندیکای جهانی شرکت جست. لوئی سایان دبیر کل فدراسیون در گزارش مشروح خود در باره مسائل حساس بین المللی و ضرورت نبرد هم

علیه امپریالیسم و هم برای تخفیف وخامت اوضاع بین المللی سخن گفت. وی گفت که راه همزیستی مسالمت آمیز تنها راهی است که قادرست از وخامت اوضاع بین المللی و افزایش خطر جنگ جلوگیری نماید. لوئی سایان گفت که فدراسیون مانند همیشه علیه امپریالیسم و استعمار نو و کهن جهاد خود را ادامه خواهد داد و در راه بهبود وضع زحمتکشان و صیانت صلح جهان خواهد کوشید. لوئی سایان از ابتکار کنفرانس دول افریقا در آدیس آبابا در سال ۱۹۶۳ ادائر بر اعلام افریقا به منطقه فارغ از اتم پشتیبانی کرد و به روش تجاوز - کارانه امریکا در خلیج تنگن و مداخلات نظامی وی در جنوب ویتنام شدیداً اعتراض نمود.

نماینده ایران در سخنرانی خود از اعمال امپریالیستهای امریکا و انگلیس در کشورهای عضو پیمان سنتو پرده برداشت. وی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز بمشابه

در شورای فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان

۲ - مسئله زنان روستائی در کلیه کشورها و برخورداری آنان از حقوق اجتماعی و سیاسی و مدنی و وظائف فدراسیون در قبال وضع موجود. دبیر کل فدراسیون در ضمن گزارش راجع بکارهای انجام شده چنین گفت: «فدراسیون بنمایندگی میلیونها زن آزادیخواه کلیه قطعات عالم همیشه صدای خود را بر ضد استعمال اسلحه اتمی و منع کامل آزمایشات هسته‌ای، بطرفداری از بکار بردن انرژی اتمی برای بهبود و پیشرفت زندگی و تملین بشر بلند کرده است و پشتیبانی کامل خود را از افراد و دولت‌ها و حکومتهایی که در راه آزادی و صلح و همزیستی مسالمت آمیز فعالیت میکنند ابراز داشته است. فدراسیون قرارداد منع قسمتی از آزمایشات اتمی که بین دولتهای اتحاد جماهیر شوروی و امریکائیکستان بسته شده ضمیمانه تهنیت گفته و آنرا بعنوان پیروزی بقیه در صفحه ۳

دوره اجلاسیه شورای فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان از تاریخ ۲۰ الی ۲۵ اکتبر سال ۱۹۶۴ در شهر صوفیه پایتخت جمهوری بلغارستان تشکیل شد. در این جلسه نمایندگان ۶۰ سازمان زنان وابسته و غیر وابسته فدراسیون از کشورهای مختلف و از سه سازمان دموکراتیک بین المللی و ۴ سازمان بین المللی دیگر افرادی بعنوان ناظر شرکت داشتند. دو موضوع در دستور جلسه قرار داشت: ۱ - فعالیت فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان در فاصله زمانی بین گذرگاه جهانی زنان در مسکو (ژوئن ۱۹۶۳) و این جلسه شورا و طرح برنامه فعالیت فدراسیون در سال ۱۹۶۵ در ارتباط با سال همکاری بین المللی اعلام شده از طرف انجمن ملل متفق و همچنین برگذاری سالروز تأسیس فدراسیون و برگذاری پنجمین سالروز اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹) از طرف انجمن ملل متفق.

مسابقه دروغگوئی با اعلیحضرت همایونی!

علم «غلام خانه زاد» از آب در آمد و منصور نیز هر دو را بکار میرسد. اما مسابقه با خود اعلیحضرت همایونی - البته در دروغگوئی - تاکنون سابقه نداشت. دکتر اقبال اخیراً این مسابقه را هم اعلام کرده است. اعلیحضرت معتقد اند که از زمان سلطنت پدر تاجدارشان در پیچه خوشبختی بروی مردم ایران باز شده. ولی دکتر اقبال در روز تولد شاه گفت که «دوره سعادت و نیکیبختی نوین مبین عزیز از این روز آغاز میگردد». ذات ملوکانه اعلام کرده اند که بر اثر رهبری خردمندانه ایشان ایران دهها سال پیشرفت کرده است. ولی دکتر اقبال اظهار داشت که «کشور ایران باندازه صدها سال در راه سعادت و ترقی پیشرفت نموده». اعلیحضرت تصمیم گرفته اند که ایران طی بیست سال (در گذشته «اشتباه» دهسال ذکر فرمودند) بکشورهای «مترقی» برسد. دکتر اقبال اعلام کرده است که «دیری نخواهد پایید که کشور ما پیاپی (مترقی ترین) ممالک دنیا برسد». دکتر اقبال میتواند افتخار کند که باب مسابقه بقیه در صفحه ۳

اینکه نوکران شاه در تلقی گوئی بارباب خود با هم مسابقه بگذارند، مطلب جدیدی نیست. برای بدست آوردن سهم بیشتر از خوان پیمانی که گسترده شده باید از باب را راضی کرد. و از باب که مست باده قدرت است نوکری را می پسندند که سریزه اش را بهتر صیقل دهد و وجودش را برای خدمتگزاری لازمتر نشان دهد. بهمین جهت است که اقبال «چاکر» شد و لایحه اخذ وام دویست میلیون دلاری از امریکارا برای تقویت بنیه نظامی ارتش تصویب مجلس رسانده است. شاه از یکطرف خود قسمت اعظم بودجه کشور را بمصرف هزینه های نظامی میرساند و در ۱۲ سال اخیر میلیونها دلار وام برای خرید مصارف جنگی بر دوش ملت ایران بار نموده است و از سوی دیگر بر منبر میرود و سران دولتها را دعوت میکند تا قسمتی از بودجه نظامی را در راه پیکار با بیسوادی صرف کنند، حقیقتاً که شاه در ریاکاری حد و حصری نمیشناسد و عرضه کشور ما را برای عوامفریبیهای خود باندازه کافی وسیع شمرده حالا در مقیاس بین المللی دست به سالوسی زده است. آزاد